

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکیه‌ای - شماره دوازده

Jeff Pippenger

2025-12-17

شماره دوازده

خواسته‌ام این است که گواهی نبوی یوئیل را چنان بیان کنم که آن گواهی در آنچه پطرس در پنتیکاست می‌گفت و می‌کرد قابل تشخیص باشد. یقین دارم کتاب مقدس درباره آنچه پطرس در پنتیکاست می‌گفت و می‌کرد روشن است، اما می‌کوشم بفهمم پطرس از نظر نبوی در تاریخ باران پسین چه پیش‌نمونی را مجسم می‌کرد، هنگامی که پیام پنتیکاست را به‌عنوان تحقق کتاب یوئیل مطرح کرد.

پطرس نمادی از باقی‌مانده قوم خداست و نه تنها در پنتیکاست، بلکه در قیصریه فیلیپی در متی ۱۶ نیز به تصویر کشیده شده است. قیصریه فیلیپی در آیات سیزده تا پانزده دانیال فصل یازدهم جای دارد؛ سه آیه‌ای که نبرد را بیان می‌کنند که نخستین بار در دوره تاریخی‌ای تحقق یافت که قیصریه فیلیپی «پانیوم» نامیده می‌شد. آیات سیزده تا پانزده پیش از آیه شانزدهم می‌آیند؛ آیه‌ای که قانون یکشنبه را در ایالات متحده مشخص می‌کند. آیه دهم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ را مشخص می‌کند. آیات ده تا شانزده دانیال فصل یازدهم نمایانگر دوره‌ای از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه است، و آن دوره «تاریخ پنهان» آیه چهلهم همان فصل است.

تاریخ پنهان با حروف درشت

۱۷۹۸

و در وقت آخر، پادشاه جنوب بر او هجوم خواهد آورد:

۱۹۸۹

اما پسرانش برانگیخته خواهند شد و سپاهی عظیم گرد خواهند آورد؛ و پادشاه شمال همچون گردباد بر او خواهد آمد، با ارابه‌ها و سواران و کشتی‌های بسیار؛ و او به سرزمین‌ها وارد خواهد شد و سیل‌آسا پیش خواهد رفت و عبور خواهد کرد. و بی‌گمان یکی خواهد آمد و سیل‌آسا خواهد گذشت؛ سپس بازخواهد گشت و برانگیخته خواهد شد، حتی تا دژ او.

۲۰۱۴ نبرد رافیا

و پادشاه جنوب از خشم برانگیخته خواهد شد و بیرون آمده با او، یعنی با پادشاه شمال، جنگ خواهد کرد؛ و او انبوهی عظیم برخواهد انگیخت، اما آن انبوه به دست او سپرده خواهد شد. و چون آن انبوه را از میان بردارد، دل او بلند خواهد شد؛ و ده‌ها هزار نفر را به خاک خواهد افکند، اما از آن نیرومند نخواهد شد.

نبرد پانیوم (قیصریه فیلیپی)

زیرا پادشاه شمال بازخواهد گشت و سپاهی بزرگ‌تر از پیشین فراهم خواهد آورد، و بی‌گمان پس از چند سال با لشکری عظیم و ثروتی بسیار خواهد آمد.

و در آن ایام بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ همچنین غارتگران قوم تو خود را بلند خواهند کرد تا رؤیا را به تحقق رسانند، اما خواهند افتاد.

پس پادشاه شمال خواهد آمد و خاکریز برخواند افزایش و مستحکم‌ترین شهرها را تصرف خواهد کرد؛ و قوای جنوب تاب مقاومت نخواهند آورد، و نه نیروهای برگزیده او، و هیچ توانی برای مقاومت نخواهد بود.

قانون یکشنبه در ایالات متحده آمریکا

اما آن که بر ضد او می‌آید، مطابق اراده‌ی خویش عمل خواهد کرد، و "هیچ‌کس در برابرش نخواهد ایستاد"، و "او خواهد ایستاد" در سرزمین باشکوه، که به دست او تباه خواهد شد. او همچنین به سرزمین باشکوه داخل خواهد شد، و بسیاری از کشورها سرنگون خواهند شد؛ اما اینان از دست او خواهند رست: ادوم و موآب و سرور بنی‌عمون. او نیز دست خود را بر کشورها دراز خواهد کرد، و سرزمین مصر نخواهد گریخت. دانیال ۱۱:۴۰، ۱۰-۱۶، ۴۱، ۴۲.

وقتی پطرس به‌طور نبوی در قیصریه فیلیپی (پانیوم) است و پنطیکاست زمان باران آخر است، این امر او را در «تاریخ پنهان» آیه چهل جای می‌دهد. قصد دارم به جنگ کنونی اوکراین که در آیه یازدهم باب یازدهم بازنمایی شده، و جنگ آینده پانیوم در آیات سیزده تا پانزده که به جنگ جهانی سوم می‌انجامد، بپردازم؛ که اینها رویدادهای بیرونی میان ۱۹۸۹ و قانون یکشنبه‌اند، اما ما در حال حاضر در حال شناسایی تاریخ فرشته سوم از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا شکل‌گیری یک کلیسای قانونی در ۱۸۶۳ هستیم.

این خط، آمدن فرشته سوم در ۹/۱۱ (۱۸۴۴) تا قانون یکشنبه (۱۸۶۳) را نشان می‌دهد. نمونه قانون یکشنبه، اعلامیه آزادی بردگان بود که آزادی را اعلام می‌کرد و بدین‌سان قانون یکشنبه‌ای را تمثیل می‌کرد که در آن آزادی سلب می‌شود. آزادی‌ای که توسط نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه اعلام شد، نمونه‌ای از آزادی سلب‌شده به‌دست آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه است—کسی که بنا بر نبوت مقدر است در هنگام قانون یکشنبه به دیکتاتور تبدیل شود.

«وقتی ملت ما چنان از اصول حکومت خود دست بشوید که قانون یکشنبه‌ای را به تصویب برساند، پروتستانتیسم در این اقدام با پاپی‌گری دست اتحاد خواهد داد؛ و این چیزی جز دمیدن جان در آن ستمگری نخواهد بود که مدت‌هاست با اشتیاق در کمین فرصتی بوده تا دوباره به استبدادی فعال بدل شود.» شهادت، جلد ۵، ۷۱.

سال ۷۴۲ پیش از میلاد، تاریخ آلفایی بود که نبوت‌های زمانی اشعیا ۷:۸ را آغاز کرد و در ۱۸۶۳ به تحقق امگا رسید. در سال ۷۴۲، آحاز، پادشاه پادشاهی جنوبی یهودا، وارد جنگ داخلی با ده قبیله شمالی شد که پادشاهی شمالی را تشکیل می‌دادند. تاریخ ۷۴۲ پیش از میلاد در یهودا، سرزمین مجید حقیقی کتاب مقدس، که یهودیان حقیقی در آن ساکن بودند، به تصویر کشیده شده بود و در آن بخش با پادشاه شریر و نادان، آحاز، نمایانده می‌شد—و بدین‌سان نمونه‌ای برای تاریخ امگای ۱۸۶۳ بود. تاریخ امگای ۱۸۶۳ در دورانی تحقق می‌یابد که ایالات متحده به‌عنوان وحش زمین، یعنی ششمین پادشاهی در نبوت‌های کتاب مقدس، سلطنت می‌کند. ایالات متحده سرزمین مجید روحانی است، متشکل از مسیحیت پروتستان که از نظر کتاب مقدسی یهودیان روحانی‌اند. جنگ داخلی میان شمال و جنوب در ۷۴۲ پیش از میلاد در تاریخ آلفا، نمونه جنگ داخلی میان شمال و جنوب در تاریخ امگای ۱۸۶۳ را نشان داد. این دو شاهد با هم تاریخ بیرونی منتهی به قانون یکشنبه را نشان می‌دهند؛ تاریخی که در آن سرزمین مجید روحانی بار دیگر به دو دسته تقسیم خواهد شد.

در سال ۷۴۲ پیش از میلاد، قدرت شمالی نمایانگر ائتلافی میان ده قبیله شمالی اسرائیل و سوریه بود و بدین‌سان نمونه‌ای از ائتلاف با یک قدرت خارجی را مجسم می‌کرد؛ همان‌گونه که تحقق یافت

آنگاه که حمایت نهاد پاپی طرفدار برده‌داری به ایالات جنوبی طرفدار برده‌داری در جنگ داخلی اعطا شد. همپیمان خارجی سوریه در ۷۴۲ پیش از میلاد، و همپیمان خارجی نهاد پاپی در جنگ داخلی، ائتلاف جهان‌گرایان با دموکرات‌های جهان‌گرا را در جنگشان علیه ماگائیسیم نشان می‌دهد؛ جنگی که در سال ۲۰۱۵ آغاز شد، زمانی که چهارمین و ثروتمندترین رئیس‌جمهور برخاست و بدین‌سان مطابق دانیال فصل یازده، آیه دو، تمامی قلمرو یونان را برانگیخت. آن برانگیختن، نشانگر بیداری کافران در کتاب یوئیل است. «یونان» و «کافران» نمادهای قدرت اژدها هستند که در اتحاد با وحش و نبی کاذب، جهان را به سوی آرماگدون می‌کشاند.

در سال ۲۰۱۵ کافران به ندای نبوی به سوی دره یهوشافاط یوئیل - که او آن را همچنان «دره داوری» نامید - بیدار شدند. در سال ۲۰۱۵ دونالد ترامپ نامزدی خود را برای ریاست‌جمهوری اعلام کرد و بدین‌سان امپراتوری جهانی‌گرا که به‌عنوان «گریسیا» معرفی شده بود برانگیخته شد و کافران حرکت خود به سوی آرماگدون را آغاز کردند، و تنها یک سال پس از آغاز جنگ اوکراین در تحقق آیه یازدهم دانیال یازدهم.

جنگ‌های داخلی ۷۴۲ پیش از میلاد و ۱۸۶۳ تاریخ قانون یکشنبه را مشخص می‌کنند؛ قانونی که نشانگر پایان پادشاهی ششم در پیشگویی‌های کتاب مقدس است. آن پادشاهی ششم با جنگ انقلابی آغاز شد؛ بنابراین پایان پادشاهی ششم در هنگام قانون یکشنبه، تکرار جنگ انقلابی را مشخص می‌کند، درست در همان زمانی که جنگ داخلی در حال وقوع است. تعریف و نام‌گذاری جنگ—چه داخلی و چه انقلابی—بر مبنای دیدگاه است. آنچه دموکرات‌ها اکنون از طریق جنگ حقوقی، اختلاس، تقلب، مهاجرت غیرقانونی و تبلیغات انجام می‌دهند، آن را «انقلاب رنگی» می‌نامند، اما کسانی که با تحرکات جهانی‌گرایانه آنان مخالف‌اند، همان فعالیت‌ها را تحریک ناآرامی «مدنی» قلمداد می‌کنند. آیا آنتیفا مجرم است یا قهرمان؟

آن دو جنگ تاریخی نمایانگر یک جنگ تفرقه‌انگیز واحدند که در دوران آخرین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه رخ می‌دهد. همان‌گونه که در مورد نخستین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه بود، این نبرد را آخرین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه خواهد برد؛ او همچنین در چهره نخستین رئیس‌جمهور نمود یافته بود، همان کسی که پیروز جنگ انقلابی بود. به گفته دموکرات‌ها، انقلاب MAGA «ناآرامی مدنی» کنونی را پدید می‌آورد. بسته به گرایش سیاسی شخصی‌تان، جنگ کنونی یا جنگی انقلابی است یا جنگی داخلی. از نظر پیش‌گویانه، هر دو است.

۱۸۶۳ نمایانگر قانون یکشنبه است و ۱۸۴۴ نیز چنین است، زمانی که فرشته سوم با پیام قانون یکشنبه رسید. دوره ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ از آغاز تا پایان، مهر قانون یکشنبه را بر خود دارد. در ۱۸۴۶، ازدواج وایت‌ها، حفظ سبت و تغییر نام از هارمن به وایت نشان داد که پیوندی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بسته شده بود به انجام رسیده بود، و آن انجام نشانگر آغاز فرایند آزمون فرشته سوم بود؛ همان‌گونه که آزمون سه‌گانه سبت با منّا آغازگر ده آزمون پس از تعمید دریای سرخ بود.

منّا نخستین آزمون بود و همچنین نمایانگر آزمون دهم در قادش، زیرا هر دوی این آزمون‌ها پیام فرشته سوم و بنابراین قانون یکشنبه را نشان می‌دهند.

«هر هفته در طول اقامت طولانی‌شان در بیابان، بنی‌اسرائیل شاهد معجزه‌ای سه‌گانه بودند که برای نقش بستن قداست سبت بر ذهن‌هایشان طراحی شده بود: در روز ششم منّا به مقدار دو برابر می‌بارید، در روز هفتم هیچ نمی‌بارید، و سهم مورد نیاز برای سبت شیرین و پاکیزه محفوظ می‌ماند، حال آن‌که اگر در هر زمان دیگری چیزی نگه می‌داشتند، غیرقابل استفاده می‌شد.» پدران و پیامبران، ۲۹۶.

نخستین ده آزمایش، آزمون «مَن» بود که نمایانگر پیام سه‌گانه سه فرشته مکاشفه باب چهاردهم است. همان‌گونه که درباره مَن بود، فرشتگان نمایانگر سه هشدار بر ضد پرستش در روز نخست هفته‌اند. معجزه سه‌گانه مَن «به‌منظور نقش‌بستن قداست سبت در اذهانشان طراحی شده بود» که البته هدف فرشته سوم نیز همین است. نخستین سه معجزه‌ای که با مَن نمایانده شد، شامل «خوردن» نان آسمانی بود و «خوردن» نماد آلفای دوره باران پسین است. معجزه دوم، پیام فرشته دوم را نشان می‌دهد، جایی که الهام برای نشان‌گذاری دوره‌ای که با دو سقوط بابل نمایانده می‌شود، کلمات و عبارات را «دو برابر» می‌کند، زیرا «بابل افتاده است، افتاده است». معجزه دوم، «دو برابر شدن» مقدار مَن در روز ششم بود. معجزه سوم، محفوظ ماندن نان برای روز سبت هفتم بود.

به‌عنوان نمونه‌ای از سه فرشته، مَن همان فرشته نخست است و بنابراین باید تمام داستان را در بر داشته باشد؛ داستانی که در مکاشفه فصل چهارده، داستان هر سه فرشته است. فرشته نخست یک فراکتال از پیام‌های هر سه فرشته است. فراکتال یک شکل هندسی پیچیده است که می‌تواند به بخش‌هایی تقسیم شود که هر یک نسخه کوچک‌شده‌ای از کل باشد. این ویژگی را خودهمانندی می‌نامند. فراکتال‌ها اغلب، فارغ از میزان بزرگ‌نمایی، جزئیات پیچیده‌ای دارند. فراکتال‌ها در ریاضیات، زیست‌شناسی، فیزیک، زمین‌شناسی، شیمی، اخترشناسی، مهندسی و بسیاری حوزه‌های دیگر دانش یافت می‌شوند.

«ساختار سه‌مرحله‌ای» سه فرشته در باب چهاردهم مکاشفه در پیام فرشته اول نمایانده شده است؛ از این رو فرشته اول یک «فراکتال» از سه فرشته به‌شمار می‌آید. سه باب نخست کتاب دانیال به‌ترتیب نمایانگر پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم‌اند، و باب اول دانیال همان «ساختار سه‌مرحله‌ای» را که در آن سه باب نشان داده شده است در خود دارد، و همان‌گونه که در مورد سه فرشته نسبت به فرشته اول نیز هست.

معجزه سه‌گانه مَن مربوط به خوردن بود و فصل اول دانیال درباره خوردن است. دانیال با برگزیدن سبزیجات به‌جای رژیم غذایی بابل، از آزمون رژیم غذایی سربلند بیرون آمد. سپس از جهت ظاهرش آزموده شد و همان ظاهر، جدایی‌ای پدید آورد میان چهره او و چهره کسانی که خوراک بابل را می‌خوردند. پیام فرشته دوم دعوت به جدایی از بابل است در دوران جدایی‌ای که در آن دو گروه شکل می‌گیرند و سپس آشکار می‌شوند. آن آزمون دوم برای دانیال به سومین آزمون نبوکدنصر انجامید؛ آزمونی که سومین آزمون فصل اول بود و نمونه‌ای از آزمون مجسمه طلایی فصل سوم، آزمونی که خواهر وایت بارها آن را «قانون یکشنبه» معرفی می‌کند و آن همان پیام فرشته سوم است. فصل اول دانیال فرکتالی از سه فصل نخست دانیال است و آن سه فصل نمایانگر سه فرشته مکاشفه چهارده‌اند که در میانشان، هم فرشته نخست و هم فصل اول دانیال، هر دو فرکتالی از هر سه فرشته و هر سه فصل هستند.

هر هفته، در طول اقامت طولانی‌شان در بیابان، بنی‌اسرائیل شاهد یک معجزه سه‌گانه بودند که برای نشان دادن قداست سبت در ذهن‌هایشان مقرر شده بود: در روز ششم دو برابر مَن می‌بارید، در روز هفتم هیچ مَنی نمی‌بارید، و سهم لازم برای سبت شیرین و پاک محفوظ می‌ماند؛ حال آنکه اگر در هر زمان دیگری چیزی را نگه می‌داشتند، غیرقابل استفاده می‌شد.

در شرایط مرتبط با عطای مَن، دلیلی قاطع داریم که سبت - چنان‌که بسیاری ادعا می‌کنند - هنگام اعطای شریعت در سینا برقرار نشد. پیش از آن‌که بنی‌اسرائیل به سینا برسند، دریافته بودند که نگاه داشتن سبت بر آنان الزام‌آور است. اینکه موظف بودند هر جمعه، برای آمادگی جهت سبت - روزی که مَن نمی‌بارید - سهمی دو برابر گرد آورند، قداست آن روز استراحت را پیوسته در ذهنشان نقش می‌بست. و چون برخی از قوم در روز سبت برای گردآوری مَن بیرون رفتند، خداوند فرمود: «تا چه مدت از نگاه داشتن فرامین و احکام من سر باز می‌زنید؟» پدران و پیامبران، 296.

جمع کردن و خوردن مَنّا، نمادِ کاری است که یوحنا در فصل دهم مکاشفه انجام می‌دهد: گرفتن (جمع کردن) کتابچه‌ای از دست فرشته و سپس خوردن آن.

و نزد فرشته رفتم و به او گفتم: کتابچه را به من بده. و او به من گفت: آن را بگیر و تمامش بخور؛ شکم تو را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت شیرین چون عسل خواهد بود. مکاشفه ۱۰:۹

یوحنا ابتدا باید نزد فرشته می‌رفت و درخواست می‌کرد، سپس باید آن «کتاب کوچک» را «می‌گرفت»، و بعد باید آن را «می‌خورد». یوحنا با رفتن نزد فرشته و درخواست کردن از او، سه مرحله فرشته اول را نمایندگی می‌کند؛ و پس از آن، مرحله دوم یعنی گرفتن و مرحله سوم یعنی خوردن می‌آید. جمع‌آوری و/یا خوردن، نخستین سه آزمون مَنّا است، اما در خود یک فراکتال از هر سه آزمون مَنّا را دربردارد. جمع‌آوری و خوردن مَنّا نمایانگر ارمیاست.

سخنانت را یافتم و آنها را خوردم؛ و کلامت برای من شادی و سرور دل من شد، زیرا که نام تو بر من خوانده شده است، ای خداوند، خدای لشکرها. ارمیا ۱۵:۱۶.

ارمیا با جست‌وجو و سپس درخواست کتابچه، «سخنان او را یافت». کلام او زمانی یافت شد که مَنّا جمع‌آوری شد. جمع کردن و خوردن مَنّا نمادِ حزقیال است که کتاب به او داده شده را خورد و با این کار نشان می‌دهد که امتناع از خوردن آن کتاب، همانند خانه سرکش بودن است.

اما تو، ای پسر انسان، سخن مرا که به تو می‌گویم بشنو؛ مانند آن خاندان یاغی سرکشی مکن؛ دهانت را بگشا و آنچه به تو می‌دهم بخور. و چون نگریستم، اینک دستی به سوی من فرستاده شد، و در آن طومار کتابی بود؛ و آن را پیش من گشود، و از درون و بیرونش نوشته شده بود؛ و در آن مرثیه‌ها و ماتم و وای نوشته شده بود. و باز به من گفت: ای پسر انسان، آنچه می‌یابی بخور؛ این طومار را بخور و برو با خاندان اسرائیل سخن بگو.

پس دهانم را باز کردم و او مرا واداشت آن طومار را بخورم. و به من گفت: ای پسر انسان، شکمت را بخوران و اندرون‌ت را از این طومار که به تو می‌دهم پر ساز. آنگاه آن را خوردم و در دهانم چون عسل شیرین بود. حزقیال ۸:۳-۳:۳.

اگر حزقیال از خوردن کتابچه کوچک امتناع می‌کرد، در زمره خاندان سرکش قرار می‌گرفت، و «طومار» آن «کتاب» که باید می‌خورد، به صورت «مراثی و ماتم و وای» تصویر شده بود که بیانگر پیامی سه‌گانه در روزهای آخر است. پیام سه‌گانه روزهای آخر همان پیام‌های سه فرشته‌ای مکاشفه باب چهارده است، و زمینه‌ای که حزقیال آن سه پیام را عرضه می‌کند، زمینه اسلام و سومین وای است. این سه پیام آلفا و امگایی دارند و سومی «وای» است که نماد اصلی اسلام است؛ پس آلفا باید با امگا همخوان باشد، بنابراین «مراثی» نمایانگر مراثی‌ای است که در ۱۱ سپتامبر با به صدا درآمدن شیپور هفتم و فرارسیدن سومین وای آغاز شد و به تدریج تا هفت بلای آخر شدت خواهد گرفت. در «زلزله» قانون یکشنبه مکاشفه باب یازده، سومین وای به سرعت فرا می‌رسد، و الهام به ما می‌گوید که فرمان ناروای اشعیا باب ده همان قانون یکشنبه است. آن آیه با اعلام «وای» بر کسانی که فرامین ناروا وضع می‌کنند آغاز می‌شود.

خوردن مَنّا نخستین آن سه آزمون بود؛ دومی «دو برابر کردن» در روز تدارک بود. پس برای چه چیزی آماده می‌شدند؟ آن‌ها برای آزمون سبت آماده می‌شدند که همان پیام فرشته سوم است.

آن معجزه سه‌گانه همچنین نخستین آزمون، یا آلفا، از میان ده آزمون بود. خدا در گام نخست مَنّا داد، سپس در گام دوم سهمی «دو برابر» داد، اما در گام سوم هیچ نداد. آزمون سوم با دو آزمون نخست متفاوت است، زیرا سومین، محک اصلی است. آن سه آزمون نمایانگر آلفای یک فرایند آزمون ده مرحله‌ای‌اند که به قادش نخستین می‌انجامد.

اگر نوشته‌های الهی‌دانان گوناگون را جست‌وجو کنید، فهرست‌های متعددی از ده آزمون خواهید یافت که در قادش نخستین به پایان می‌رسند. تقریباً همه آن‌ها دریای سرخ را یکی از آن ده آزمون به شمار می‌آورند؛ برخی نیز نشانه‌های تاریخی پیش از دریای سرخ را در زمان بلایا می‌گنجانند. همه آن‌ها نادرست‌اند.

نخستین آزمون مَنّا است. پولس تصریح می‌کند که عبور از دریای سرخ تعمیم بود.

علاوه بر این، برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که همه پدران ما زیر ابر بودند و همه از میان دریا گذشتند؛ و همه در ابر و در دریا به موسی تعمیم یافتند. اول قرن‌تین ۱۰:۱، ۲.

موسی نماد عیسی است، و تعمیم عیسی فرایند آزمونی را مشخص می‌کند که ماهیتی سه‌گانه دارد و با آزمون اشتها آغاز می‌شود و بر آن تأکید می‌نماید. صلیب به وسیله فصیح در مصر از پیش نمادپردازی شده بود. هنگامی که آنان از سوی دیگر دریای سرخ بیرون آمدند، مسیح همچون قربانی نوبر از مرگ برخاسته بود. وقتی او به دست یحیی تعمیم‌دهنده از قبر آبی بیرون آمد، مسیح (قربانی نوبر) فرایند آزمون چهارروزه‌ای را آغاز کرد. پس از آنکه چنان‌که تعمیمش نماد آن بود از مرگ برخاست، چهل روز مسیح با شاگردان رو در رو تعامل داشت. فرایند آزمون پس از عبور از دریای سرخ آغاز می‌شود، همان قدر یقینی که مسیح به محض بیرون آمدن از آب، به وسیله روح به بیابان رانده شد.

نخستین آزمون برای مسیح، اشتها بود، زیرا نان آسمانی رسالت مسیح شده خویش را درست از همان‌جا که آدم سقوط کرده بود، به دست گرفت. نخستین آزمون پس از دریای سرخ، آزمون سه‌گانه مَنّا است که نماد آزمون سه‌گانه بر نان آسمانی است. آزمون‌های مسیح پس از آن‌که او از آب بیرون آمد آغاز شد؛ پس ده آزمون نیز باید «پس از» آن‌که آنان از آب بیرون آمدند آغاز شوند. سپس مسیح با آزمونی سه‌گانه روبه‌رو شد که در چارچوب اشتها قرار داشت، چنان‌که آزمون سه‌گانه مَنّا—که پس از آن آغاز شد که روح، اسرائیل باستان را از مصر بیرون راند و به بیابان برد—نماد آن بود.

فهرست‌های دیگری که حدس می‌زنند ده آزمونی که در قادش به سرانجام می‌رسند نماینده چه شورش‌هایی هستند، شورش گوساله طلایی هارون را یکی از آن ده آزمون به شمار می‌آورند، اما در اشتباه‌اند.

ماجرای گوساله طلایی نمایانگر دو آزمون است. این عنصری اساسی در نمادپردازی گوساله طلایی است. هنگامی که مردم گمان کردند خدا نمی‌بیند، بت‌پرستی‌شان آشکار شد و پس از آن موسی بازگشت. سپس مردم تصمیم گرفتند که در برابر دیدگان خدا، چنان‌که موسی نماینده او بود، همچنان بت‌پرست بمانند.

در شورش دوگانه رو به تشدید، می‌بینیم که در اسباط جدایی پیامبرانه‌ای پدید آمد، هنگامی که سبط لاوی به طور انحصاری به خدمت مقدسگاه گماشته شد، زیرا تا پیش از آن شورش، انجام خدمت مقدسگاه بر عهده نخست‌زادگان هر سبط بود. دیگر چنین نخواهد بود. اکنون سبط وفادار لاوی نگهداری هیکل را بر عهده خواهد داشت. «تقسیم» یا جدا شدن به «دو» یکی از مؤلفه‌های ویژگی پیامبرانه گوساله طلایی است.

شورش هارون نمونه‌ای از شورش یربعام، نخستین پادشاه پادشاهی شمالی اسرائیل، بود. یربعام گوساله‌های طلایی را «دو برابر» می‌کند و یکی را در بیت‌ئیل و دیگری را در دان قرار می‌دهد. هارون و یربعام نمایانگر تاریخ‌های موازی‌اند؛ یعنی تاریخ شکل‌گیری تصویر وحش. تاریخ تصویر وحش در دو دوره تحقق می‌یابد که قانون یکشنبه در ایالات متحده آنها را از هم جدا می‌کند. تصویر وحش نماد اتحاد کلیسا و دولت است که نخست در ایالات متحده برپا می‌شود و سپس در سراسر جهان.

همیشه نوعی تقسیم با نمادهای تصویر حیوان همراه است. در مورد هارون، آن جدایی جداسازی لاویان بود؛ و در مورد یربعام، آن جدایی تقسیم دوازده قبیله به دو قبیله جنوبی و ده قبیله شمالی بود.

یوحنا در کتاب مکاشفه نماد آن رابطه کلیسا و دولت را «تمثال وحش» می‌نامد. گوساله‌های طلایی هارون و یربعام تمثال‌های یک وحش بودند، و آن وحشی که تمثال آن بودند بابل است، زیرا نخستین پادشاهی در نبوت کتاب مقدس در باب دوم دانیال با سری از «طلا» نمایانده شده است. تمثال وحش نمایانگر دو آزمون است، زیرا این آزمون نخست بر وحش از زمین—ایالات متحده—قرار می‌گیرد، سپس در باب سیزدهم مکاشفه، ایالات متحده جهان را وادار می‌کند که تمثال وحش را برپا کنند. نخست آزمون در ایالات متحده است، سپس در جهان.

"وقتی آمریکا، سرزمین آزادی دینی، با پایت در اعمال اجبار بر وجدان و واداشتن مردم به حرمت نهادن به سبت دروغین متحد شود، مردم هر کشور در سراسر جهان سوق داده خواهند شد تا از الگوی او پیروی کنند." شهادت‌ها، جلد ۶، ۱۸.

"کشورهای خارجی از الگوی ایالات متحده پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، اما همان بحران دامنگیر مردم ما در همه نقاط جهان خواهد شد." گواهی‌ها، جلد ۶، ۳۹۵.

سرکشی گوساله طلایی دو وجه دارد و دو تا از نه آزمون نخست را که به آزمون دهم و نهایه در کادش نخست می‌انجامند، مشخص می‌کند. وقتی شورش‌های هارون و یربعام را «خط بر خط» کنار هم می‌آورید، درمی‌یابید که هارون، کاهن اعظم، نماینده کلیساست و یربعام، پادشاه اسرائیل، نماینده دولت. این دو خط در کنار هم نماد ترکیب کلیسا و دولت‌اند. دو مذب یربعام در بیت‌ئیل (به معنای کلیسا) و دان (به معنای داوری) برپا شدند و با هم نماینده ترکیب کلیسا و دولت بودند. با این مقدمات، شناسایی آن ده آزمون را آغاز می‌کنیم.

ده آزمون در چارچوب استراحت سبت (عبرانیان ۳-۴) قرار داده شده‌اند. آنها با معجزه سه‌گانه من و درس آن درباره سبت آغاز می‌شوند و در آزمون دهم، یعنی نخستین قادش، پایان می‌یابند. آن قادش نخستین در کتاب مقدس «روز عصیان» است و پولس شورش نهایه را در چارچوب آزمون سبت قرار می‌دهد. آزمون آلفا، سبت بود که من نماد آن بود، و آزمون دهم و امگا در نخستین قادش نیز همان استراحت سبت بود. آلفا و امگا همواره پایان را با آغاز نشان می‌دهند.

از این رو (چنان‌که روح‌القدس می‌گوید: امروز اگر آواز او را بشنوید، دل‌های خود را سخت مسازید، چنان‌که در روز عصیان، در روز آزمایش در بیابان؛ هنگامی که پدران شما مرا امتحان کردند، مرا آزمودند و چهل سال کارهای مرا دیدند. از این رو از آن نسل محزون شدم و گفتم: آنان همواره در دل خود گمراه می‌شوند و راه‌های مرا نشناخته‌اند. پس در خشم خود سوگند خوردم که به آرامش من داخل نخواهند شد.)

برادران، هشیار باشید، مبادا در هیچ‌یک از شما دلی شرور و بی‌ایمان باشد که به روی‌گردانی از خدای زنده بینجامد. بلکه هر روز، تا وقتی که «امروز» نامیده می‌شود، یکدیگر را تشویق کنید، مبادا کسی از شما به سبب فریبندگی گناه سخت‌دل شود. زیرا شریک مسیح می‌شویم، اگر آغاز اعتماد خود را تا پایان استوار نگاه داریم؛

چنان‌که گفته شده است: «امروز اگر صدای او را بشنوید، دل‌های خود را سخت نسازید، مانند زمان عصیان.» زیرا برخی، چون شنیدند، خشم او را برانگیختند؛ هرچند نه همه آنان که به دست موسی از مصر بیرون آمدند. پس او با چه کسانی چهل سال خشمگین بود؟ آیا نه با همانانی که گناه کردند و جسدهایشان در بیابان افتاد؟ و به چه کسانی سوگند خورد که به آرامش او داخل

نخواهند شد، جز به آنان که ایمان نداشتند؟ پس می‌بینیم که به سبب بی‌ایمانی نتوانستند داخل شوند.

پس بترسیم، مبادا در حالی که وعده‌ی ورود به آرامش او برای ما باقی است، یکی از شما چنین به نظر آید که از آن بازمانده باشد. زیرا همان‌گونه که به آنان بشارت داده شد، به ما نیز بشارت داده شد؛ اما آن کلام موعظه‌شده برایشان سودی نداشت، چون با ایمان آنان که آن را شنیدند آمیخته نشده بود.

زیرا ما که ایمان آورده‌ایم به آرامی داخل می‌شویم، چنان‌که او گفته است: «به خشم خود سوگند خورده‌ام، اگر به آرامی من داخل شوند!»؛ با آنکه کارها از بنیاد جهان به انجام رسیده بود. زیرا او در جایی درباره‌ی روز هفتم چنین گفته است: «و خدا در روز هفتم از همه کارهای خود آرام گرفت.» و در اینجا باز می‌گوید: «اگر به آرامی من داخل شوند.»

پس چون هنوز مقرر است که برخی به آن داخل شوند، و آنان که نخست بشارت را شنیدند به سبب بی‌ایمانی داخل نشدند، باز روزی معینی را مقرر می‌کند و در داود می‌گوید: «امروز، پس از این همه مدت، چنان‌که گفته شده است: امروز اگر آواز او را بشنوید، دل‌های خود را سخت مسازید.»

زیرا اگر عیسی به آنان آرامش داده بود، آنگاه دیگر پس از آن از روزی دیگر سخن نمی‌گفت.

پس برای قوم خدا آرامشی باقی می‌ماند. زیرا هر که به آرامش او وارد شده است، از کارهای خود نیز دست کشیده است، چنان‌که خدا از کارهای خویش دست کشید. پس بکشیم تا به آن آرامش وارد شویم، مبادا کسی به همان نمونه بی‌ایمانی سقوط کند. عبرانیان ۳:۸ تا ۴:۱۱.

در «روز عصیان»، پیام یوشع و کالب رد شد. این بخش بر پایه گروهی است که به سبب بی‌ایمانی نسبت به پیامی که شنیده‌اند، وارد نمی‌شوند. این پیام با «آرامش» نشان داده شده است.

«کسانی که مایل نیستند به خداوند خدمتی وفادارانه، جدی و محبت‌آمیز تقدیم کنند، نه در این زندگی و نه در زندگی آینده آرامش روحانی خواهند یافت.» پس برای قوم خدا آرامشی باقی است... پس بکشیم تا به آن آرامش داخل شویم، مبادا کسی به همان نمونه بی‌ایمانی فروافتد.» آرامشی که در اینجا از آن سخن می‌رود، آرامش فیض است که با پیروی از دستور به دست می‌آید. «با جدیت بکشید.» رکورد اتحادیه پاسیفیک، ۷ نوامبر ۱۹۰۱.

«آرامش» پیامی است که پیام یوشع و کالب نماینده آن است. پولس حقایق مربوط به سبت روز هفتم را به‌عنوان نمادی از پیام «آرامش» به کار می‌گیرد؛ پیامی که از سوی کسانی که مقدر بود در بیابان بمیرند، رد شد.

عبارت «امروز اگر آواز او را بشنوید» همانند تأکید است که کتاب مکاشفه بر هر کسی که صدای روح را می‌شنود می‌گذارد؛ یعنی شنیدن پیام روح، یعنی پیام باران آخر، یعنی پیام «آرامی». در قلدش آن صدا بلند شد و شورشیان رهبر تازه‌ای برگزیدند تا آنان را به مصر بازگرداند. تاریخ این سرکشی در مزمور ۹۵ و نیز توسط پولس در عبرانیان مطرح شده است. این تاریخ، ناکامی اسرائیل باستان را در دهمین آزمون‌شان مشخص می‌کند. آزمون آلفای ده آزمون با معجزه سه‌گانه منّا آغاز شد که نماینده پیام‌های سه فرشته، شریعت خدا، آرامی سبت، نان آسمانی، اطاعت و داوری بود—و آخرین آن ده آزمون، آزمون «آرامی» بود. «آرامی» فیض، چنان‌که خواهر وایت بیان می‌کند، نماد باران آخر است. قلدش نماد آزمون پذیرش یا رد پیام باران آخر است که «خط بر خط» ارائه می‌شود.

سطر به سطر، «آرامی» همان فروریزی روح القدس است که به صورت «باران آخر» نمایانده شده است. «آرامی» همچنین سبت روز هفتم است، همان مه‌ری که در دوران باران آخر بر وفاداران نهاد می‌شود. «آرامی» همان فیضی است که نمایانگر قدرت اعطاشده به یکصد و چهل و چهار هزار نفر است، زمانی که گناهانشان برای همیشه محو می‌شود. آن فیض نه فقط قدرت اعطاشده‌ای است که نمایانگر تقدیس است، بلکه فیضی نیز هست که عادل‌شمردگی را فراهم می‌آورد، آن‌گاه که خون مسیح برای زدودن گناهان جان توبه‌کار به کار می‌رود. «آرامی» فیض، پیام عدالت مسیح است؛ عدالتی که فیض (قدرت) زیستن بدون گناه را فراهم می‌کند، و فیضی که یک لائودیکیه‌ای را به یک فیلادلفیایی تبدیل می‌کند. هنگامی که به وسیله فیض عادل‌شمردگی دگرگون شد، آن لائودیکیه‌ای سابق، به عنوان یک فیلادلفیایی، به قدرت فیض، در راه تقدیس‌یافته‌ای گام برمی‌دارد که به تمجید می‌انجامد. «آرامی» پیام فرشته سوم است، چنان‌که به صورت «عادل‌شمردگی به وسیله ایمان، به راستی» نمایانده شده است. با این حساب، قادیس به سال ۱۸۸۸ اشاره داشت.

قادیس نخست پیام «آرامی» را که همان پیام «انجیل» است مشخص می‌کند. انجیل جاودانی عبارت است از «کار مسیح در معرفی یک فرایند آزمون سه‌گانه که دو گروه از پرستندگان را پرورش می‌دهد و سپس آشکار می‌سازد.» پیام انجیل جاودانی «آرامی» در قادیس نخست نمایانگر پیام سه‌گانه انجیل جاودانی است که به وسیله کار سه‌گانه روح القدس اداره می‌شود؛ همان‌که از گناه، عدالت و داوری ملزم می‌سازد. این سه گام دقیقاً همان سه گام آزمایشی در آزمون من هستند!

ده آزمون با فرایند آزمون سه‌گانه‌ای آغاز می‌شود که بر شریعت خدا، سبت و مسئولیت بشر برای خوردن و هضم پیام خدا تأکید دارد. نخستین این ده آزمون سه‌گانه بود، همان‌گونه که دهمین نیز چنین است. آزمون نخست، من را به عنوان نمادی از نان آسمانی که سبت روز هفتم را تعظیم می‌کند، به کار می‌گیرد. آزمون پایانی «استراحت» را به عنوان نماد فرایند نهایی آزمون باران دیر هنگام به کار می‌گیرد؛ فرایندی که در قانون یکشنبه به اوج می‌رسد و در آن، آنان که نان آسمانی را نمایندگی می‌کنند به سان پرچمی برای سبت برافراشته می‌شوند.

آغاز ده آزمون، همانند پایان ده آزمون، بر سبت و پیام انجیل مرتبط با سبت تأکید می‌کند؛ پیامی که همان انجیل جاودانی فرشته سوم است. قادیس نخست، امگای ده آزمون است؛ پس آلفای ده آزمون باید همان ویژگی‌ها را داشته باشد. قادیس نمایانگر سال ۱۸۶۳ بود؛ زمانی که خداوند اراده داشت کار خود را به پایان برساند و قومش را به خانه ببرد، اما ورود به سرزمین موعود به تأخیر افتاد.

با خواندن آیات زیر خواهیم دید که نظر خدا نسبت به اسرائیل باستان چگونه بود:

«زیرا خداوند یعقوب را برای خود برگزیده است، و اسرائیل را ملک خاص خود قرار داده است.»
مزمور ۱۳۵:۴.

«زیرا تو قومی مقدس برای خداوند، خدایت، هستی و خداوند تو را برگزیده است تا برای خود او قومی خاص باشی، برتر از همه قوم‌هایی که بر روی زمین‌اند.» تثنیه ۱۴:۲

«زیرا شما قومی مقدس برای خداوند، خدای خود هستید؛ خداوند، خدای شما، شما را برگزیده است تا برای خود قومی خاص باشید، برتر از همه قوم‌هایی که بر روی زمین هستند. خداوند محبت خود را بر شما نهاد و شما را برگزید به خاطر آنکه شمار شما از هر قوم دیگری بیشتر بود؛ زیرا شما کم‌شمارترین همه قوم‌ها بودید.» تثنیه ۷:۶، ۷.

'زیرا از چه معلوم شود در اینجا که من و قوم تو در نظر تو فیض یافته‌ایم؟ آیا نه بدین که تو با ما می‌روی؟ پس من و قوم تو از میان همه قوم‌هایی که بر روی زمین‌اند جدا خواهیم شد.' خروج ۳۳:۱۶.

اسرائیل باستان چه بسیار شورش کرد، و چه بسیار که با دآوری‌ها روبه‌رو شد و هزاران تن کشته شدند، زیرا به فرمان‌های خدایی که آنان را برگزیده بود گوش نسپردند! اسرائیل خدا در این روزهای آخر پیوسته در خطر آمیختن با جهان و از دست دادن همه نشانه‌های قوم برگزیده خداست. تیطس ۱۳:۲-۱۵ را دوباره بخوانید. در اینجا به روزهای آخر می‌رسیم، زمانی که خدا برای خود قومی خاص را پاک می‌سازد. آیا ما نیز مانند اسرائیل باستان او را به خشم آوریم؟ آیا با دور شدن از او و آمیختن با جهان و پیروی از رجاسات ملت‌های پیرامون ما، خشم او را بر خود جلب کنیم؟ شهادت‌ها، جلد ۱، صفحات ۲۸۲ و ۲۸۳.

خواهر وایت می‌پرسد: «آیا ما نیز مانند اسرائیل باستان او را به خشم خواهیم آورد؟» ما با درآمیختن با دنیا او را به خشم می‌آوریم؛ دنیایی که نماد آن مصر است، همان جایی که شورشیان قادش به دنبال رهبری بودند تا آنان را به آن بازگرداند. در سال ۱۸۶۳، آرزوی بازگشت به مصر و گزینش رهبری تازه از سوی الهام به‌منزله میل به وابستگی به دنیا بازنمایی شده است.

بخشی که اکنون در حال بررسی آن هستیم، پیش‌تر با تفسیر خواهر وایت درباره این‌که اسرائیل باستان به آرامش وارد نشد، مقدمه‌چینی شده بود. در بستر شورش مداوم آنان، او آیاتی را مطرح کرد که نشان می‌داد خدا می‌خواست چگونه با عروس خود رابطه داشته باشد، اما عروس او نپذیرفت. بخش بعدی مقدمه‌ای است بر آنچه همین اکنون خواندیم.

در بخشی که او نقل می‌کند: «خدا از قوم خود می‌خواست که تنها بر او توکل کنند. او نمی‌خواست آنان از کسانی که به او خدمت نمی‌کردند کمک بگیرند.» در سال ۱۸۶۳، ادونتیس میلیرتی لاودیکپایی با دولت ایالات متحده ائتلافی تشکیل داد تا به تلاش‌های خود برای جلوگیری از فراخوانده شدن جوانان‌شان به خدمت در مرگبارترین جنگ تاریخ آمریکا کمک کند.

اینجا هشدارهایی را می‌خوانیم که خدا به اسرائیل باستان داد. خواست نیکوی او این نبود که آنان این‌همه در بیابان سرگردان بمانند؛ اگر تسلیم می‌شدند و رهبری او را دوست می‌داشتند، بی‌درنگ ایشان را به سرزمین موعود می‌رساند؛ اما چون در بیابان بارها او را رنجاندند، در خشم خود سوگند خورد که جز دو تن که به تمامی از او پیروی کردند، به آرامش او داخل نخواهند شد. خدا از قوم خود می‌خواست که تنها بر او توکل کنند. او نمی‌خواست که آنان از کسانی که او را خدمت نمی‌کردند یاری بجویند.

لطفاً عزرا ۱:۴-۵ را بخوانید: «و چون دشمنان یهودا و بنیامین شنیدند که اسپران خانه خداوند، خدای اسرائیل را می‌سازند، نزد زربابل و سران خاندان‌ها آمدند و به آنان گفتند: بگذارید با شما بنا کنیم، زیرا ما نیز مانند شما خدای شما را می‌جوئیم و از روزگار آسرحدون، پادشاه آشور که ما را به اینجا آورد، برای او قربانی می‌گزاریم. اما زربابل و یسوع و دیگر سران خاندان‌های اسرائیل به آنان گفتند: شما را با ما در ساختن خانه‌ای برای خدایمان کاری نیست؛ بلکه خود ما، با هم، برای خداوند، خدای اسرائیل بنا خواهیم کرد، همان‌گونه که کورش، پادشاه فارس، به ما فرمان داده است. آنگاه مردم آن سرزمین دست‌های قوم یهودا را سست کردند و در کار بنا ایشان را آشفته ساختند و برای ناکام کردن قصدشان، بر ضد ایشان مشاورانی به مزد گرفتند.»

عزرا ۸:۲۱-۳۳: «آنگاه در آنجا، کنار رود اهاوا، روزه‌ای اعلام کردم تا در حضور خدایمان خود را فروتن سازیم و از او راهی درست برای خودمان و برای کودکانمان و برای همه دارایی‌مان بجوئیم. زیرا شرم داشتم که از پادشاه درخواست کنم دسته‌ای از سربازان و سواران را که به ما در راه در برابر دشمن یاری رسانند، چون به پادشاه گفته بودیم: دست خدای ما برای نیکویی بر همه کسانی است که او را می‌جویند؛ اما قدرت و خشم او بر همه کسانی است که او را ترک می‌کنند. پس روزه گرفتیم و برای این امر از خدای خود استدعا کردیم، و او دعای ما را مستجاب کرد.»

پیامبر و این پدران، مردم آن سرزمین را پرستندگان خدای حقیقی به شمار نمی‌آوردند، و با آنکه آنان اظهار دوستی می‌کردند و می‌خواستند به ایشان کمک کنند، ایشان جرأت نمی‌کردند در هیچ امر مربوط به پرستش او با آنان همراه شوند. هنگامی که برای ساختن معبد خدا و بازگرداندن پرستش او عازم اورشلیم شدند، از پادشاه درخواست کمک نمی‌کردند تا در مسیر یاری‌شان کند، بلکه با روزه و دعا از خداوند یاری می‌طلبیدند. آنان باور داشتند که خدا در تلاششان برای خدمت به او از بندگان خود دفاع می‌کند و آنان را کامیاب می‌سازد. آفریننده همه چیز برای برپا ساختن پرستش خود به کمک دشمنانش نیازی ندارد. او قربانی شرارت را نمی‌طلبد و پیشکش‌های کسانی را که خدایان دیگری جز خداوند دارند نمی‌پذیرد.

ما غالباً این سخن را می‌شنویم: «شما بیش از حد انحصارطلب هستید.» به‌عنوان یک قوم، برای نجات نفوس یا هدایت‌شان به حقیقت، حاضر هستیم هر فداکاری‌ای بکنیم. اما اینکه با آنان متحد شویم، چیزهایی را که آنان دوست می‌دارند دوست نداریم و با دنیا دوستی داشته باشیم، جرأت نمی‌کنیم؛ زیرا در آن صورت با خدا در دشمنی خواهیم بود. شهادت، جلد ۱، ۲۸۱، ۲۸۲.

خواهر وایت، در ارتباط با شرح خود از شورش قادش، می‌گوید: «آفریننده همه چیز برای برپا داشتن پرستش خویش به کمک دشمنانش نیازی ندارد. او قربانی شرارت را نمی‌طلبد و هدایای کسانی را که برای خود خدایانی جز خداوند دارند، نمی‌پذیرد.» در سال ۱۸۶۳، جنبش ادونتیسیم میلریتی لائودیکایی به کلیسا تبدیل شد و با قدرتی ائتلاف بست که پرستش یکشنبه را بر ملت و سپس بر جهان تحمیل خواهد کرد.

در مقاله بعدی، بررسی‌های خود را درباره خطوط پیشگویانه‌ای که به ۱۸۶۳ منتهی می‌شوند ادامه خواهیم داد؛ سالی که نقطه اوج دوره پیشگویانه ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ است.

آنچه بوده است، همان است که خواهد بود؛ و آنچه انجام شده است، همان است که انجام خواهد شد؛ و زیر آفتاب چیزی تازه نیست. آیا چیزی هست که درباره‌اش گفته شود: بنگر، این تازه است؟ آن پیش از ما، در روزگاران قدیم، بوده است. می‌دانم هر آنچه خدا می‌کند، تا ابد پابرجا خواهد بود؛ نه چیزی می‌توان بر آن افزود و نه چیزی از آن کاست؛ و خدا چنین می‌کند تا آدمیان در حضور او بترسند. آنچه بوده است، اکنون هست؛ و آنچه خواهد بود، از پیش بوده است؛ و خدا آنچه گذشته است باز می‌طلبد. جامعه ۱:۹، ۱۰؛ ۱۴:۳، ۱۵.